

بسم الله الرحمن الرحيم

کافر کیست؟

قرآن کریم می‌فرماید که کافران جمله اهل بخل هستند که بخلشان به خودشان به مراتب بیشتر است. چرا؟

طبق تعریف قرآن از کافران، کافران منکر وجود خداوند خالق نیستند بلکه خداوند را در ورای آسمان‌ها و دست نیافتنی می‌دانند. یعنی خدا را در خود و زندگی خود نمی‌خواهند. آیا این بخل به خویشتن نیست؟ کسی که خالق و رزاق و مدبر و حافظ عالم و آدم را که ارحم الراحمین است در خود و زندگیش نمی‌خواهد به خودش بخیل است. و این بخل آیا عین حماقت و شقاوت نسبت به خود نیست؟

عرفان وحدت وجودی آن معرفت دینی است که جهان هستی را تجلی خداوند می‌داند و انسان را مظهر کمال این تجلی می‌خواند و انسان کامل و خلیفه خدا را هم مظهر ذات احد و جمال وحدانیش می‌داند. و این همان ایمانی است که قرآن تعریف می‌کند و توحید غیر از این را مذهب کفر و شرک می‌خواند.

در واقع باور به عرفان وحدت وجودی باور به ارحم الراحمینی خدا نسبت به انسان است و این کمال رحمت و سخاوت و محبت انسان نسبت به خویشتن است که غیر از این هم عین بخل و شقاوت انسان با خویشتن می‌باشد که کفر نامیده شده است.

آیا چند درصد از اهالی دین و مسلمین و بلکه چند درصد از علمای دینی و روحانیون معتقد به چنین توحیدی هستند. پس پیدا کنید مؤمنین حقیقی را که مؤمن به رحمت مطلقه خداوند هستند.

و اینکه چرا امروزه جامعه مسلمین در جهان مظهر اشد شقاوت و بدبختی بشر است بهتر درمی‌یابیم. زیرا عامه علمای رسمی و فقه‌های شیعه و سنی خصم خونین عرفان و عارفان وحدت وجودی هستند و در همه جای تاریخ خون این اولیای رحمانی را ریخته و آنها را تکفیر نموده‌اند در حالی که خودشان مستحق تکفیر شدن هستند و کافران حقیقی می‌باشند که خدا را از قلمرو حیات و هستی انسانی طرد و لعن کرده و جوامع مسلمین را جولانگاه شیاطین نموده‌اند که خصم انسان هستند. پس این اسلام رحمن و رحیم نیست اسلام ابلیسی است اسلام کافران و مشرکانه! اینان عارفان را تکفیر نمی‌کنند بلکه خدا را تکفیر می‌کنند. کافر کسی است که خداوند را از حیات دنیا و از دل و جان و روح و زندگانی آدمی طرد و لعن کرده و به عدم فرستاده است و می‌گوید عدم خدا را بپرسید که غیر از این شرک است. کافران همان ملایان دین فروش و دشمن انسان هستند.

در اینجا تقصیر و شقاوت و کفر علما و روحانیون شیعه به مراتب شدیدتر از اهل سنت است زیرا شیعیان دم از ولایت امامانی می‌زنند که مظاهر توحید و وحدت وجود و تجلی ذات پروردگار بر روی زمین هستند. پس اگر جامعه شیعه تبدیل به قلب دوزخ روی زمین شده است از این‌روست که عین حق است و عدالت! این عین بخل تشیع نسبت به خودش می‌باشد و نیز بخل علمای شیعه نسبت به شیعیان!

و عجیب‌تر اینکه جامعه ما بر نظامی استوار است که بنیانگزارش خود را یک عارف وحدت وجودی معرفی می‌کرد! پس چرا چنین سرنوشت سیاهی بر این نظام و مردمش حاکم شده که آن را عبرت جهانیان ساخته و اهلایش را بر علیه خدا و رسول و اسلام و رهبر و انقلابش شوریده است. پاسخ به این معما به مثابه پاسخ به همه مسائل امروز جامعه ایران است و جامعه مسلمین!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۲/۱۱